

ایل گورک

(نویسنده و مستتره ایل گورک در ایران)

www.ketab.ir

تدوین و گردآوری:

سعید مامندی

سرشناسه:	مامندی، سعید، ۱۳۴۹
عنوان و نام پدیدآور:	ایل گورک: (تاریخ و گستره ایل گورک در ایران)، سعید مامندی.
مشخصات نشر:	مهاباد: هیوا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	[۲۸۴] ص.: مصور، نقشه (رنگی)، نمونه.
شابک:	۹-۹۶-۷۹۷۰-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیفا
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۲۳۳ - ۲۳۴: همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر:	(تاریخ و گستره ایل گورک در ایران).
موضوع:	گورک
موضوع:	Gewirk (Iranian people)
موضوع:	ایلات و عشایر -- ایران -- کردستان
موضوع:	Nomads -- Iran-- Kurdistan
موضوع:	ایلات و عشایر -- ایران -- آذربایجان غربی
موضوع:	Nomads-- Iran-- Azerbaijan, West
موضوع:	ایلات و عشایر -- ایران -- کردستان - تاریخ
موضوع:	Nomads -- Iran-- Kurdistan -- History
رده بندی کنگره:	۱۳۹۵ ۲م ۹ / ۲۵۵۸
رده بندی دیویی:	۹۸۱ / ۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی:	۴۲۸۷۴۶۷

ایل گورک (تاریخ و گستره ایل گورک در ایران)

نوبت چاپ:	اول
تدوین و گردآوری:	سعید مامندی
ویراستار فنی و صفحه‌آرایی:	محمد قاسمی
شمارگان:	۱۰۰۰
بها:	۲۰/۰۰۰ تومان

مرکز پخش: مهاباد، خ صلاح‌الدین ایوبی غربی، کتابفروشی مهرگان. تلفن ۴۴-۴۲۲۴۰۹۷۵

کلیه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره‌ی کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

۸.....	پیش‌گفتار.....
۱۲.....	فصل اول: اوضاع اجتماعی ایل گورک.....
۱۲.....	تعریف: ایل یا عشیره.....
۱۴.....	ساختار اجتماعی ایل و عشیره.....
۱۵.....	ارزش، سنجارهای مورد تأکید در فرهنگ عشیره‌ای.....
۱۶.....	معنای «ارکانی» گورک.....
۱۸.....	فدراسیون «بلیان».....
۲۰.....	پیشینه تاریخی «گورک» در وایات شفاهی.....
۲۲.....	پراکندگی جغرافیایی گورک در ایران.....
۲۳.....	۱. گورک سردشت.....
۲۶.....	• افراد نامی و مشهور گورک سردشت.....
۲۶.....	• روستای نستان.....
۲۸.....	• روستای پاراستان.....
۳۲.....	۲. گورک سفر.....
۳۴.....	• روستاهای گورک سفر.....
۳۶.....	گورک عثمان آغا.....
۳۶.....	• ریاست ایل گورک عثمان آغا در ادوار گذشته.....
۴۰.....	۳. گورک مهاباد.....
۴۳.....	• روستای سوناس.....
۴۴.....	• روستای قوزلوی علیا.....
۴۵.....	• طایفه‌های گورک مهاباد.....
۴۵.....	• ملاحسین مجدی.....
۴۸.....	۴. گورک بوکان.....
۴۹.....	• روستاهای «گورک» بوکان.....
۵۱.....	۵. گورک ارومیه و سلماس (گورک شکاک).....
۵۱.....	پراکندگی جغرافیایی گورک شکاک.....
۵۱.....	• ایل شکاک.....

۵۳.....	• روش انتخاب جانشین پس از وفات رئیس طایفه در ایل شکاک
۵۴.....	• مختصری از تقسیمات جغرافیایی ارومیه و سلماس و پراکندگی گورک شکاک در آنها
۵۷.....	فصل دوم: تاریخ شفاهی گورک به کوشش مرحوم خضر مامندی
۵۷.....	کوچ اجباری خانواده «رسول بلباس»
۵۹.....	کشتن مخفیانه «رسول بلباس»
۵۹.....	شیرزن بلباس
۶۱.....	شروع بهانه گیری و اختلاف کدخدای «شیوه کل» با فرزندان رسول بلباس
۶۴.....	آشکار شدن راز «قتل مشکوک پدر» و دشمنی کدخدا
۶۶.....	نقشه انتقام
۶۸.....	انتظار فردای انتقام
۷۰.....	عید رمضان و روز اقامت
۷۱.....	وصیت عایشه برای احمد عثمان
۷۲.....	سرنوشت «قره عثمان»
۷۲.....	کشتن قاتل «پاشای بابان» توسط عثمان
۷۵.....	سرنوشت «میرزا احمد» و آمدن وی به طرف شرق ایران
۷۹.....	شرح حال زندگی درویش آغا
۸۰.....	شرح حال زندگی ממند آغا
۸۱.....	الف. شرح حال خدر اول (مشهور به چوغه بور)
۸۳.....	خدر دوم (علی دیروز، خدر امروز)
۸۵.....	خدر سوم (خدر خدران)
۸۶.....	ب. جوامیر آغا
۸۷.....	ج. رسول آغا
۸۷.....	د. گلاوی آغا
۸۷.....	شرح حال زندگی حسن آغا
۹۳.....	شرح حال زندگی فرزندان اله آغا
۹۴.....	فصل سوم: نقش گورک در تاریخ معاصر
۹۴.....	گورک در دوره قاجار
۹۶.....	نقش عشیره گورک در قیام حمزه آغا منگور و شیخ عبیدالله
۹۹.....	گورک در جریان دو جنگ اول و دوم جهانی

۱۰۱	گورک و شیخ محمود حفید
۱۰۱	گورک و قیام اسماعیل آغای سمکو
۱۰۲	گورگ در قیام ملا خلیل
۱۰۲	گورک و قیام محمدرشیدخان بانه
۱۰۳	گورک در جمهوری مهاباد
۱۰۶	نامه قاضی محمد به محمدامین خان برادر محمدرشید خان بانه
۱۰۷	کمک بانه به حکومت ایران
۱۰۸	تالان گم، یک کلاس سردشت توسط بیگ زاده های بانه
۱۰۹	جنگ جازروه (شه ری جاتراوی) - در محال سردشت
۱۱۰	جنگ مکه آباد (سردر مه کلای)
۱۱۰	واقعه شموله در محال سردشت
۱۱۶	جنگ پشدر با گورک
۱۱۶	جنگ گورک با دهبکری
۱۱۷	«گورک» به روایت استاد و منابع تاریخی قدم
۱۲۷	گورک در کتاب ژاک دومورگان
۱۳۱	گورگ و حماسه ۱۲ سواره مریوان
۱۳۶	گورک در اشعار ملا کریم فیدایی
۱۳۸	شجره نامه گورک ایران
۱۳۹	فهرست شجره نامه
۱۴۰	شرحی بر شجره کلی گورک
۲۵۸	ایل گورک به روایت تصویر
۲۷۸	فهرست اعلام
۲۸۰	فهرست منابع

پیش گفتار

نگاهی به قدمت این سرزمین نشان می‌دهد که بدون مطالعه‌ی تاریخ اقوام، ایلات و عشایر نمی‌توان به درستی تاریخ این ملت را شناخت. در مسیر تاریخی شکل‌گیری طوایف و عشایر در میان مردم گُرد نیز، همواره بحث قدرت، نظم و امنیت و ظلم و ستم به مردمان زیردست مطرح بوده است و این خود بهانه‌ای برای تفکیک و مرزبندی خوب و بد، خیر و شر و به نوعی مظلوم‌نمایی و یا حس برتری و اقتدار بوده است.

پرداختن به این موضوع با توجه به موقعیت کنونی گُردها در منطقه نیاز به بسط و توسعه در دامنه وسیع‌تری دارد تا با دیدی موشکافانه و تحلیلی مورد بررسی قرارگیرد. اگر تاریخ پرفراز و نشیب مبارزاتی گُردها را بررسی کنیم جایگاه بارز عشایر و رؤسای آنها را به عنوان بازیگران و کارگزاران عده تحولات تاریخی کردستان درمی‌یابیم و جستجوگر وقایع تاریخی را متوجه این نکته می‌سازد که نقش فعال و سرنوشت‌ساز عشایر در ماجراهای کردستان دخیل و متبلور است. آداب و رسوم، مآر و رسم، سیاست و مدیریت و تحویل بزرگان و نخبگان به جامعه از ثمرات آنان می‌باشد که تا به امروز نیز به جای مانده‌اند و غنای فرهنگ و سنن اجتماعی را سبب گردیده است.

ایل «گورک»^۱ یکی از ایلات بزرگ کردستان است که در سه کشور ایران، عراق و ترکیه پراکنده‌اند. هرچند به دلیل پراکندگی و قرار گرفتن آنها در خاک ۳ کشور نتوانسته‌اند به صورت متحد و منسجم در وقایع و تحولات سیاسی نقش برجسته‌ای داشته باشند، اما هرکدام از آنها در کشور خود مطرح و همیشه مورد توجه دولت‌ها و سیاست‌مداران و رهبران ایلی قدرتمند بوده‌اند. این ایل یک‌جانشین بوده، همراه با حفظ آداب و رسوم خویش مرعده سازگاری با زندگی در عصر جدید می‌باشند و با توجه به پراکندگی جغرافیایی ایل، تعدد حانوار و نفوس جمعیت کلی آنها معلوم نیست.

درون مایه‌ی کتابی که پیش‌رویتان قرار می‌گیرد سال‌ها پیش در ذهن و اندیشه پدرم، مرحوم «خضر مامندی»، شکل گرفت که خود یک معلم بود و سال‌های جوانی عمرش را در روستاهای اطراف شهرستان سردشت در آذربایجان غربی سپری کردند و از «بنوخلف» و «ورده» تا «سارککه» و «نستان»^۲ به تعلیم و تربیت کودکان و خدمت به مردم محروم آن مناطق مشغول

۱. Gawerk tribe

۲. «بنوخلف» و «ورده» از روستاهای دهستان بریاجی و «سارککه» و «نستان» از روستاهای دهستان گورک از بخش مرکزی سردشت هستند.

بودند. ایشان در عین حالیکه دارای تمکن مالی بودند و همچنین فرزند یکی از رؤسای عشایر «گورک» منطقه و تک فرزند^۱ پسر خانواده بودند سبک و سیاق زندگی در یک خانواده صاحب زمین و بی‌نیاز از دارایی‌های مادی، می‌بایست وی را به نسبت علایق فرهنگی، بینش ملی و دغدغه‌های اجتماعی بی تفاوت می‌نمود ولی ایشان علی‌رغم اینکه در حد خود متمکن بودند نسبت به این مسایل بسیار علاقه‌مند بوده در این راستا جلوتر از زمان خود بودند. همچنین از ذوق هنری و ادبی نیز برخوردار بودند طوریکه بنا به همین علایق به نقاشی و عکاسی و شعر نیز می‌پرداختند. از ایشان دست نوشته‌ی ادبی به نام (غم و شادی) و چندین قطعه شعر، یادگار مانده است که محتوای آنها؛ خاطرات دوران معلّمی‌اش در روستاهای دورافتاده، عشق به طبیعت و مردمان محروم دیارش سردشت می‌باشد که در آثار نامبرده؛ احساس و تعقّل، نظر ایشان به آمال و آرزوهای این مردم و شیوه زندگی پردرد و رنج آنان نمایان است. پدرم هیچ وقت من انسان‌دوستی و هویت‌بخشی را به معنای واقعی در افکار و تمایلات زندگی‌اش فراهم نکرد بلکه با آن زیست. غم انسان‌ها را غم خود می‌دانست. هرچند شاد بودن را هنر و شاد زیستن را حق مسلم خود می‌دانست ولی به قول شاعر «هرگز نپسندید به خویش چو یک شکلک» همان شب و روز بی‌خبر از همه خندان باشد». متأسفانه مرگ زودهنگام مجالش نداد همه آرزوهای ایشان دوستانه‌اش را تحقق بخشد و کار نیمه تمام فعلی را که سال‌ها برایش زحمت کشیده بود و ماحول رنج سفرهای زیادی شده بود به سرانجام برساند و هویت و بلند نظری و عزّت و غیرت شریف را با نگاه به گذشته پرفراز و نشیب عشیره‌اش (ایل گورک) به تصویر کشد و فرزندان کنونی و نسل را متوجه تاریخ و پیشینه اجتماعی نیاکان خود نماید.

البته در راستای این پیام نیز چنین تعبیری از تاریخ و فرهنگ داشته است. گذشته سیاسی، عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر قوم و قبیله، عشیره و ملت را تاریخ آن قوم، عشیره و ملت گویند و فرهنگ هر قوم و قبیله‌ای همزمان با پیشرفت و تمدن بشری تغییر خواهد کرد.

همچنین از نفوذ فرهنگ غرب در خانواده‌ها، که به قول ایشان دوستان نیمه‌راهی بیش نیستند، نگران بوده و فرهنگ ملی و عشیره‌ای خانواده‌ها را پرمحتوا و چراغ راه زندگی می‌دانستند.

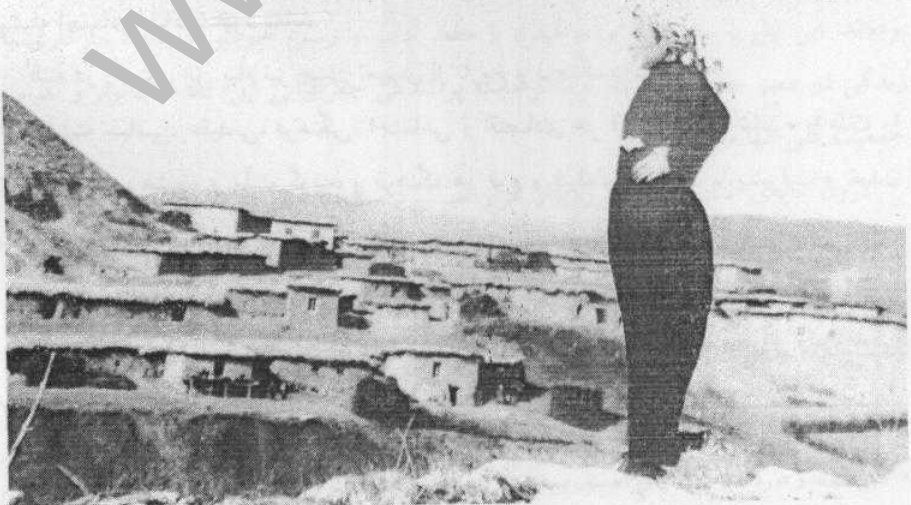
این معلم دلسوز و با احساس، سه سال پس از بازنشستگی که آن را دوران تکمیل و چاپ کتاب پیش‌رو می‌دانستند، دچار بیماری ضعف عضلانی شدند. به‌طوری‌که در اواخر حیاتش توان کتابت را نداشت و در یک روز برفی زمستان مورخه ۹۱/۱۱/۲۷ در بیمارستان مهاباد بر اثر سکنه قلبی در سن ۶۳ سالگی دار فانی را بدرود گفت و ما را با دنیایی از خاطرات و خوبی‌ها و بزرگ‌منشی و خصلت‌های نیک انسانی‌اش، تنها گذاشتند تا شاید افکار و دیدگاه‌هایش همچون دیگر انسان‌های بزرگ و گمنام بعد از مرگشان تلنگری بر ذهن و بینش و عملکرد آتی ما باشد.

با تشکر از:

همکاری و همراهی برکان و پیران فرزانه عشیره گورک در هر سه دیار محل زندگی این ایل بزرگ، که به هویت و پیشینه تاریخی خود می‌بالند و غرور و افتخارات موجود در برگ‌های تاریخ ایل گورک را سروجه تلاش و زندگی خود قرار می‌دهند و از آن الهام می‌گیرند.

سعید مامندی

۱۳۹۵/۰۱/۲۱



عکس مرحوم «خضر مامندی» در روستای ربط سردشت - سال ۱۳۴۷